

از : دکتر احمد اردوبادی


● هدف نداشتن ، موجب

پوچی و بی معنی بودن زندگی

و انگیزه سرگشتگی است .

بیش از ده سال گذشت و دیگر بار گذرم به

شهر زوریخ افتاد و اتفاقاً روزی رسیدم که در

« مؤسسه کارل گوستا یونگ » که در حال

حاضر بیش از یکصد و هفتاد روانکاو راتریت

میکند ، آغاز سال تحصیلی را جشن گرفته

بودند من نیز شرکت کردم و با چند نفر از

استادان راهنما صحبت کردم ولی هیچکدام

را انسانی تر از خود یونگ نیافتم ده سال پیش

بود که او را در منزل شخصیش در « کوست -

ناخت » ملاقات کردم .

کتابی که در معرفی افکار و مکتب او نوشته

بودم با ترجمه « تست تداعی معانی » او که به

پارسی برگردانیده بودم با هدیه کردم من از

بیماری

قرن ما ،

بی

مذهبی

است

برخورد مولوی و شمس سخن گفتم و او گفت اگر «گورو»ی خود را یافتی اورا پیروی کن ( گورو رادربان هندی به معلم - پیر- مرشد و یا راهنمای روحی گویند ) .

یونگ و استادش پروفیسور «یوجن بلویلر» بودند که باخواندن کتاب « تعبیر رویا » نوشته فروید به افکار او علاقه مند شدند و فروید را معرفی و مشهور کردند .

از سال ۱۹۱۲ یونگ رشته تقلید فروید را بگسست و پای در راه خودشناسی گذاشت آثار او بویژه مطالعاتش در باره بیماری مدش «شیز و فرنی = جنون» بسیار معتبر و پیشرو است و او بود که برخلاف فروید که این مسئله را به کناری گذاشته بود راه روان درمانی این بیماری را معرفی کرد آثار ویافته‌های او بسیار وسیع و گسترده است.

### درون گرایی و برون گرایی

از طبقه بندی های مختلفی که از شخصیت کرده اند ، طبقه بندی یونگ در عین سادگی جامعیت دارد وی مردمان را به دو دسته درون گرا و برون گرا تقسیم بندی میکند .

درون گرا بیشتر به خود جهان درونی خود-ارزش های معنوی و هنری و روحانی معتقد است و معاشرت وی و تماس او با جهان خارج محدود است .

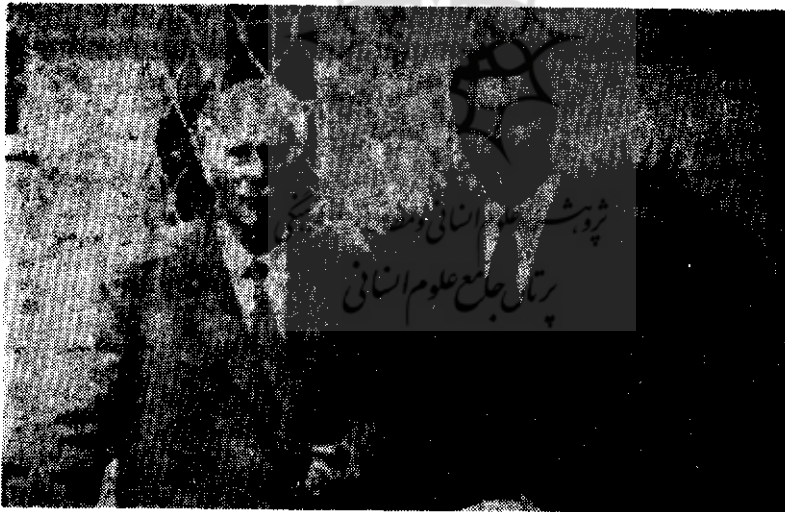
در حالی که برون گرا بیشتر در تماس با جهان خارج است ، معاشرتی است از تنهایی میهراسد و میگریزد و بیشتر اوقات خود را با دیگران میگذراند .

درون گرائی و برون گرائی هر چند بر پایه وراثت - سرشت - تربیت و ارزش شخصی و واکنش نسبت به محرکات درونی و خارجی پدید می آیند بهر تقدیر باید تا حدودی در حال تعادل باشند .

درون گرائی مبالغه آمیز به دوری از واقعیت و برون گرائی مبالغه آمیز به تهی بودن جهان درونی شخص و غنی آن میانجامد و می باید که بین این دو تعادلی برقرار کنیم

### در پشت نقاب

پرسنا ماسک و نقابی بود که بازیگران روم قدیم به چهره میزدند تا معرف نقشی که بازی میکنند باشد .



### نویسنده مقاله با پروفیسور یونگ

پروفیسور یونگ معتقد شد که در موارد مختلف ماسک هائی را بکار میبریم که قیافه حقیقی و واقعی خود را از دیگران و خویشان مخفی

نگاهداریم فروشنده‌ای که ماسک‌حسن خلق به‌چهره میزند تا با مشتری کنار آید زبردستی که بله‌قربان‌گویان اصالت‌فردی خود را با خاطر و وضع و مقام پنهان میدارد همه ماسک‌های مختلفی را بکار برده‌اند، از نظر بهداشت روانی ماسک‌های کاذب اجازه نمیدهد که چهره واقعی شخص (شخصیت حقیقی او) رشد و تکامل یابد و بدقواره و بدچهره می‌شود و بالاخره این «دورویی» به کشمکش و بیماری روانی فردی یا گروهی درمی‌آید وظیفه ما اینست که با مراعات اصول اخلاقی و روابط متقابل با دیگران چهره واقعی خود را بشناسیم و بدان اجازه تجلی دهیم،

### ضمیمه ناخود آگاه گروهی

یکی از کشفیات بزرگ فریاد شناخت ضمیر ناخود آگاه بود که در قدم اول برای دسترسی به خاطرات و اخورده شده و فراموش شده در آن گام نهاد و سپس اطلاعات بیشتری از این جهان بزرگ که بر زندگی ما چیرگی دارد بماداد .

پرفسور یونگ بر اثر سالیان درازی که در معالجه بیماران و تعبیرهای رویاهای آنان گذراند و با مطالعه علم الاساطیر و فولکلور معتقد به وجود ضمیر ناخود آگاه گروهی شد شناخت این قلمرو و ضمیر را در فرود آگاهی آنرا در بررسی افسانه‌های پریان فولکلور و علم الاساطیر اصل بزرگی در خودشناسی دانست و بالاخره به این نتیجه رسید که از این طریق است که همه انسانها به «مبداء» ارتباط دارند و ارتباط با این مبداء و شناخت ظواهر

ضمیر ناخود آگاه گروهی در شخص مراحل نهائی «خودشناسی» و «خودیابی» و وصول به «کل» شخصیت فرد را موجب میشود و ما را به «ابدیت» و «بی‌نهایت» مربوط می‌سازد.

### فردیت

پروفسور یونگ ملاحظه کرد که دوسوم از بیماران که از سراسر جهان به او مراجعه میکنند افراد تحصیل کرده موفق هستند که يك درد بزرگ یعنی «پوچی» و «نامفهومی» و بی‌معنی بودن زندگی آنها را رنج میدهد متاسفانه در تجربه شخصی نیز به این پدیده در ایران برخورد کرده‌ام.

مجموعه آنچه یونگ از تجارب شخصی و «سفر درونی» که خود به عهده گرفته بود و فاتح بازگشته بود اینست که، حقیقت را از تضاد آن می‌شناسیم نور را از ظلمت و زندگی را از مرگ و شخصیت ما کامل نمی‌شود مگر آنکه به «سایه» یا ظلمات روح خود نیز دسترس پیدا کنیم و تضادهای درونی خود را بخوبی بشناسیم و بجای آنکه آنها را سرکوبی کرده و اخورده سازیم در ضمیر ناآگاه فردی و گروهی خود آنها را بشناسیم و بیابیم و مکمل قرار دهیم و در این راه شناسائی باید بدانیم که محکوم به آزادی و گزینش هستیم و از آن آزادی و ندائی که ما را به پژوهش جست‌وجو و امیدارد گزیری نداریم.

علاوه آنکه در نظریونگ بیماری قرن ما از دست دادن «مذهب» بمعنی عام آنست.

مطلب آنست که در اثر تکنولوژی و جمود تعالیم و کوتاه نظری

و تعصب بشر قرن بیستم «لامذهب» است و سرگشته در جست و جوی روح خود است و تامذهبی نیابد آسایشی ندارد و در این راه باید بتواند «هدف» داشته باشد و بی مذهبی لامحاله پوچی و بی معنی بودن زندگی را موجب میشود و داشتن هدف و آرمان به زندگی «مفهوم» و «معنی» می بخشد و آنکس که باشجاعت گام در راه خودشناسی گذاشت به خداشناسی می-رسد و در مرحله آخر به «تکامل نفس» و «فردیت» خود واصل میگردد.



### از سخنان امام صادق (ع)

ایمان همواره با استقامت و پایداری همراه است کسی  
 که ایمان دارد استقامت دارد خواه مرد باشد یا زن و کسیکه  
 استقامت ندارد ایمان ندارد چه مرد و چه زن  
 از سخنان حضرت محمد (ص)  
 پیوند خویشان و نیک خوئی و خوش همسایگی شهرها  
 را آباد کند و عمر را افزونی دهد .  
 پیوند خویشان عمر را افزونی دهد و از مرگ بد جلو  
 گیری کند .